

ترجمه انگلیسی این مقاله با عنوان:

*Application of the Principles of Participation in the Concept of Recreating Inefficient Urban Fabric
(Case Study: Sayyidi Neighborhood of Mashhad City)*

در همین شماره به چاپ رسیده است.

کاربست اصول مشارکت در مفهوم بازآفرینی بافت ناکارآمد شهری (نمونه موردی: محله سیدی مشهد)

ایمان الهی^۱، هادی سروری^{۲*}

۱. کارشناس ارشد طراحی شهری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲. دانشیار گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

شهرسازی

مقاله پژوهشی

چکیده:

این پژوهش به بررسی کاربرت اصول مشارکت در بازآفرینی بافت ناکارآمد شهری محله سیدی مشهد می‌پردازد. بافت‌های ناکارآمد شهری با چالش‌هایی نظیر فرسودگی کالبدی، کمبود خدمات و مسائل اجتماعی-اقتصادی مواجه هستند که کیفیت زندگی ساکنان را تحت تأثیر قرار داده است. ضرورت این مطالعه در نیاز به رویکردی مشارکتی برای بهبود این شرایط و افزایش اثربخشی بازآفرینی نهفته است. هدف اصلی پژوهش، تحلیل چگونگی استفاده از اصول مشارکت (شفافیت، همه شمولی، پاسخگویی و توانمندسازی) در فرآیند بازآفرینی و تأثیر آن بر ارتقای کیفیت زندگی، تقویت جامعه و کاهش نابرابری‌ها در محله سیدی است.

این پژوهش با روش کمی و رویکرد پیمایشی انجام شده و داده‌ها از طریق پرسشنامه از ۳۰۰ نفر از ساکنان جمع‌آوری گردیده است. ابزارهای عملی شهرسازی مشارکتی نظیر کارگاه‌های طراحی و آگاهی‌بخشی عمومی نیز به کار گرفته شده‌اند. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که رابطه معناداری میان تمام اصول مشارکت و بازآفرینی شهری وجود ندارد. محدوده مورد مطالعه در این پژوهش محله سیدی واقع در منطقه ۷ شهرداری مشهد است.

نتایج این مطالعه موفقیت نسبی رویکرد مشارکتی را در بهبود کیفیت زندگی تأیید می‌کند و پیشنهاد می‌دهد که تقویت تعامل، توانمندسازی ساکنان و پاسخگویی مدیران شهری می‌تواند به تحقق اهداف بازآفرینی کمک کند. این پژوهش الگویی عملی برای محله سیدی و بافت‌های مشابه ارائه می‌دهد که می‌تواند راهنمای سیاست‌گذاران در طراحی طرح‌های بازآفرینی مشارکتی باشد و زمینه‌ساز مطالعات آتی شود.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۷/۱۶

تاریخ بازنگری:

//

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۷/۲۳

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۸/۳۰

واژگان کلیدی:

بافت ناکارآمد شهری،

بازآفرینی شهری،

مشارکت شهروندان،

توانمندسازی ساکنان،

محله سیدی مشهد.

* نویسنده مسئول: +989151025247, sarvari_hadi@mshdiau.ac.ir

مقدمه

با توجه به این مقدمه، این مقاله به دنبال بررسی و تحلیل این موضوع است که چگونه می‌توان اصول مشارکت را در فرآیند بازآفرینی بافت ناکارآمد شهری محله سیدی مشهد به کار گرفت تا به بهبود کیفیت زندگی ساکنان منجر شود؟ در این راستا، شناسایی و تبیین اصول کلیدی مشارکت در بازآفرینی شهری با توجه به ادبیات نظری و تجربیات عملی و بررسی چگونگی پیاده‌سازی آن‌ها در محله سیدی مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین، وضعیت فعلی بافت ناکارآمد شهری در محله سیدی از نظر فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی توصیف و تحلیل می‌شود تا درک جامعی از زمینه مورد مطالعه فراهم آید.

علاوه بر این، چالش‌ها و فرصت‌های موجود برای مشارکت ساکنان در فرآیند بازآفرینی محله سیدی شناسایی و بررسی خواهند شد تا موانع و پتانسیل‌های این مسیر مشخص گردند. این مطالعه همچنین درصدد است راهکارهای عملی و پیشنهادات سیاستی برای تقویت مشارکت ساکنان و ذینفعان در پروژه‌های بازآفرینی محله سیدی ارائه دهد. برای دستیابی به این اهداف، از روش تحقیق کمی در محله سیدی استفاده می‌شود تا داده‌های لازم جمع‌آوری و تحلیل گردند. به نظر می‌رسد همه شمولی به عنوان یکی از اصول مشارکت با بهبود کیفیت زندگی، تقویت جامعه و کاهش نابرابری‌ها از اهداف بازآفرینی رابطه دارد. این مطالعه می‌تواند به سیاست‌گذاران و مدیران شهری در طراحی و اجرای طرح‌های بازآفرینی با رویکرد مشارکتی کمک کند و زمینه‌ساز پژوهش‌های آتی در این حوزه شود.

طبق مطالعات از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ در پایگاه web of science و جست و جوی کلید واژه‌های مرتبط با موضوع بازآفرینی و مشارکت در (شکل شماره ۱) این کلید واژه‌ها و ارتباط بین این کلید واژه‌ها نشان داده شده است. در این شکل به وضوح ارتباط بین بازآفرینی شهری با مشارکت و حکمروایی شهری و پایداری محیط زیست به وضوح قابل مشاهده است.

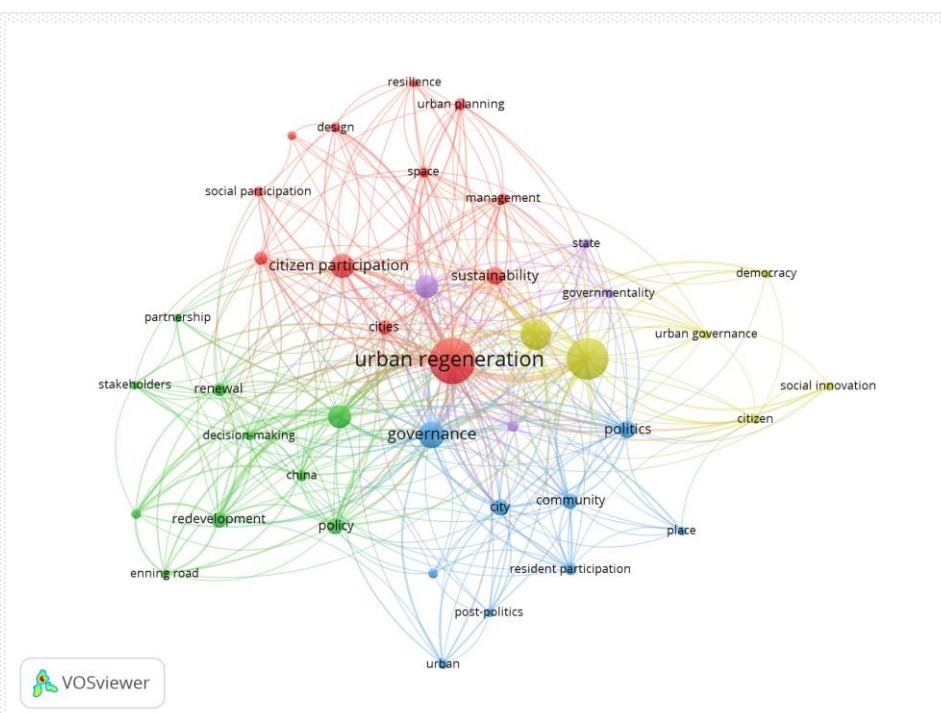
در (شکل شماره ۲)، تغییرات کلمات کلیدی در سال‌های اخیر به وضوح نشان داده شده است. بیشتر مقالات در سال‌های اخیر حول محور کلمات کلیدی مثل Community و State و Redevelopment هستند.

طراحی شهری به عنوان هنر کیفیت بخشی به محیط‌های همگانی، بستر فعالیت هایش فضا و محیط شهری است؛ و طراح شهری قصد دارند با توجه به ویژگی‌های اجتماعی، قومی و تاریخی شهروندان و مقتضیات ساختاری و کالبدی شهر، فضای شهری را هرچه بیشتر در خدمت مردم در آورد و از این بابت علاوه بر تامین آسایش و رفاه شهروندان، نیازهای عاطفی و روانی آنها را برآورده سازد. هدف غایی در طراحی شهری، طراحی برای بهتر شدن زندگی مردمی است که در آن شهر یا بافت زندگی می‌کنند. طراحی مردمی نیز در صورتی محقق می‌شود که زمینه مشارکت مردم، مسئولین و متخصصین در فرآیند تصمیم‌گیری فراهم شود. اما متأسفانه در حوزه طراحی شهری به طور معمول خواسته‌های مردم غایب بوده و بیشتر شهروندان حکم ناظر و مشاهده‌گر در پروژه‌ها دارند و طراحان و برنامه‌ریزان بدون در نظر گرفتن نقطه نظرات آنها برایشان تصمیم‌گیری می‌کنند (بحرینی، ۱۳۸۹؛ آقایی، رضانی‌پور، احدی و عبدی، ۱۳۹۲). بنابراین توجه به تمامی ذی‌نفعان در یک پروژه طراحی شهری امری ضروری است.

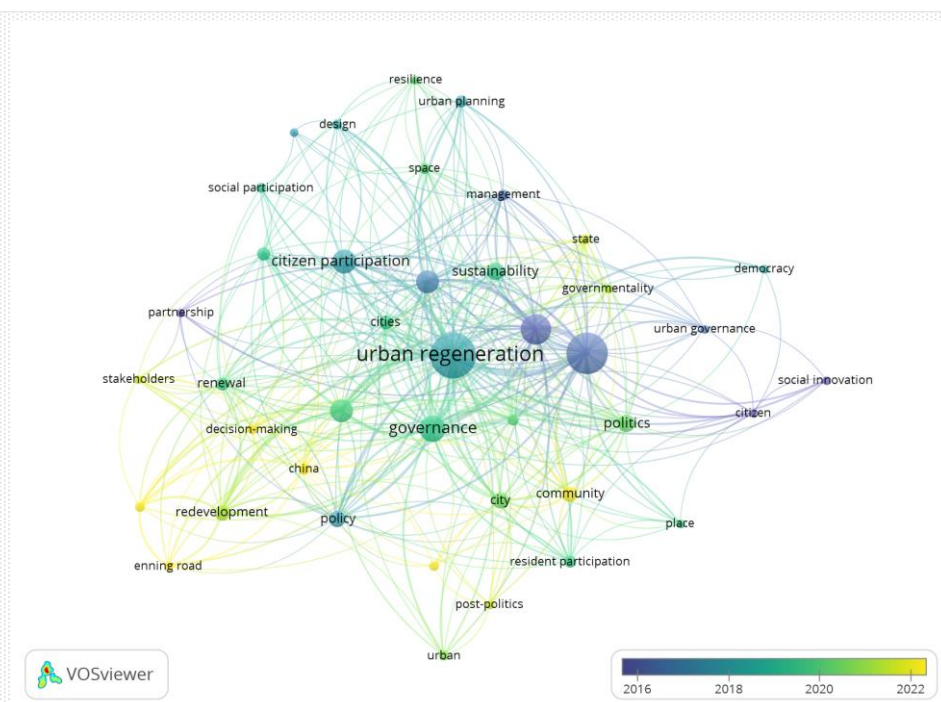
بافت‌های ناکارآمد شهری به عنوان یکی از معضلات اصلی شهرهای امروزی، با چالش‌هایی نظیر فرسودگی کالبدی، کمبود زیرساخت‌ها و خدمات شهری، و مشکلات اجتماعی-اقتصادی مواجه هستند که به طور مستقیم بر کیفیت زندگی ساکنان تأثیر منفی می‌گذارد (Robert & Sykes, 2000). در این راستا، بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی جامع و پایدار با هدف بهبود این بافت‌ها مطرح شده است که تأکید ویژه‌ای بر مشارکت فعال شهروندان و ذینفعان دارد (Healey, 1997).

محله سیدی در شهر مشهد، به عنوان نمونه‌ای از بافت‌های ناکارآمد شهری، از مشکلاتی چون فرسودگی فیزیکی، ناکافی بودن خدمات عمومی و مسائل اجتماعی رنج می‌برد که ضرورت مداخله‌ای هدفمند و مشارکت همه افراد محله در فرآیند بازآفرینی را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

مشارکت شهروندان، که بر اصولی مانند شفافیت، پاسخگویی، عدالت، شمول و توانمندسازی استوار است، می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر برای ایجاد هم‌افزایی میان ساکنان، مدیران شهری و بخش خصوصی عمل کند (Fung, 2006; Innes & Booher, 2004).



شکل شماره ۱) ارتباط بین کلید واژه های مرتبط با موضوع



شکل شماره ۲) تغییر موضوعات کلید واژه های تحقیقات در سالهای اخیر

مبانی نظری

رکن اصلی اجرای طرح توسعه شهری مشارکت همه جانبه افراد و گروه های توسعه شهری است (زیاری، ۱۳۹۲). رشد فزاینده شهرنشینی و گسترش روند شهرگرایی و پیچیده تر شدن نظام اجتماعی شهر از جمله عواملی هستند که ضرورت مشارکت شهروندان در مدیریت شهری را بیش از پیش کرده اند (UNDP, 1999). مشارکت شهری را می توان به معنای شرکت و حضور جدی و فعال گروه های شهری در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی دانست (زیاری، نیک پی و حسینی، ۱۳۹۲). مشارکت را می توان به دو بعد عینی و ذهنی تقسیم کرد. بعد ذهنی مشارکت به تمایل و نگرش افراد به مشارکت اشاره دارد و بعد عینی خود را به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم گیری نشان می دهد (زیاری، نیک پی و حسینی، ۱۳۹۲). قابل ذکر است که این پژوهش در جستجوی بررسی بعد عینی مشارکت بوده و هر جایی که از مشارکت شهروندان اسم برده می شود، منظور همان بعد عینی مشارکت می باشد. نظام مدیریت شهری مانند دیگر نهادها در تبادل و تعامل با جامعه و شهروندان معنا پیدا می کند. دخالت مردم در امور شهری از اصیل ترین شیوه های رشد ملی به شمار می رود. تجربه سودمند و شوق انگیز محلی در اداره ی امور جمعی، رغبت مردم را برای پرداختن به کارهای بزرگ تر ملی تحریک می کند و آنان با تکیه بر نتایج سودمندی که از مشارکت محلی به دست می آورند، به مشارکت های بزرگ ملی راغب می گردند (طوسی، ۱۳۸۰). این امر باعث می شود که بارهای سنگینی از دوش دولت مرکزی برداشته شده و همچنین اجرای صحیح برنامه های ملی در سطوح منطقه ای و محلی تضمین شود. همچنین رضایت اجتماعات محلی فراهم می گردد (زیاری، نیک پی و حسینی، ۱۳۹۲). به واسطه ی مشارکت مردم در فرایند توسعه شهری، مدیران شهری بهتر می توانند مسائل و نارسایی های اجتماعی شهر را شناخته و در جهت حل آن و نهایتاً بهسازی و توسعه شهری اقدام نمایند (رمجویی، ۱۳۸۲). از دیدگاه کلی مشارکت شهروندان در امور شهری مزایای بسیاری دارد که تعدادی از آن عبارتند از:

- ۱- افزایش کیفیت امور کاهش هزینه ها؛ ۲- افزایش بهره وری؛
- ۳- سهم کردن شهروندان در پذیرش مسئولیت؛ ۴- فراهم سازی نیروی انسانی و مالی برای شهرداری ها؛ ۵- کاهش بار

تصدی گری سطوح ملی نسبت به برنامه های محلی؛ ۶- افزایش شهروندان آگاه.

دیدگاه های مختلفی در زمینه مشارکت مردمی وجود دارد که صور متنوعی از مشارکت را محقق می سازند. این صور را می توان در هفت سطح طبقه بندی نمود. این هفت سطح که می تواند از بالاترین سطح خودآگاهی اجتماعی یعنی "خودانگیختگی" شروع شود تا شکل بسیار ظاهری و سطحی آن یعنی "فریب و صوری"، عبارتند از (مرادی، ۱۳۷۶):

○ مشارکت خودانگیخته :

مردم خود مبتکر پروژه بوده، جهت منابع و کمک های فنی با نهادهای دیگر تماس می گیرند. لیکن مردم، کنترل منابع پروژه را همچنان در دست خود حفظ می نمایند. در صورت حمایت دولت و نهادهای غیردولتی چنین پروژه هایی می توانند به اجرای کامل برسند.

○ مشارکت تعاملی و کنشی :

مبتکر پروژه یک نهاد خارجی است که در ارتباط با مردم محلی فعالیت می نماید. مشارکت به عنوان یک حق شهروندی تلقی شده و تنها وسیله ای جهت رسیدن به اهداف پروژه نمی باشد. مردم در تحلیل مسائل، تدوین برنامه های اجرایی و تشکیل نهادهای اجرایی و مدیریتی مشارکت می نمایند. لذا مردم تاثیر زیادی بر نحوه ی استفاده از منابع دارند.

○ مشارکت عملکردی:

مشارکت از سوی نهادهای خارجی به عنوان وسیله ای جهت تحقق پروژه به خصوص کاهش هزینه ها از طریق ارائه ی نیروی کار و مدیریت رایگان تلقی می شود. برای مثال مردم بعد از اینکه تصمیمات مهم از سوی نهاد خارجی گرفته شد و اهداف پروژه مشخص می شوند، جهت تحقق اهداف تعیین شده مشارکت می کنند. نهایتاً در چنین شیوه مشارکتی، مردم در جذب اهداف مورد نیاز خارجی، از اهداف خود دست می کشند.

○ مشارکت به خاطر انگیزه های مادی :

مردم تنها با واکنش نسبت به انگیزه های مادی مشارکت می نمایند. مثلاً در مقابل عرضه ی کار، پول یا غذا دریافت می نمایند و یا مثلاً در پروژه های خودیاری به شرط عرضه ی نیروی کار و ایجاد ساختمان، زمین و خدمات دریافت می نمایند.

○ اطلاعات دهی و مشورت کردن :

ظرفیت شهروندان برای مشارکت فعال را مد نظر قرار می دهد.

○ پایداری به معنای در نظر گرفتن اثرات بلند مدت، انعطاف پذیری جهت تطبیق فرآیندهای مشارکتی با نیازها و شرایط متغیر جامعه است.

○ عدالت و همکاری از جمله سایر اهداف مشارکت شهری هستند (Arnstein, S. R. 1969).

این در حالی است که سایر منابع اصول مشارکت را در ۷ دسته بهره گیری از ظرفیت های محلی، ایجاد سرمایه اجتماعی، انجام کار در یک بخش اجتماعی، توسعه استراتژی های ارزشمند و منحصر بفرد، تقویت ارزش های اجتماعی به موازات شکل گیری ساخت های انسانی و اجتماعی، توسعه مشارکت خلاق و تقویت فرآیند تمرکز زدایی از حاکمیت مرکزی به حاکمیت های محلی عنوان کرده اند (اجلایی و همکاران، ۱۳۹۱).

• واژه بازآفرینی:

بازآفرینی (Regeneration) به فرآیند نوسازی، احیاء و بهبود کیفیت زندگی در مناطق شهری اشاره دارد که به دلایلی مانند فرسودگی، تخریب یا کاهش کیفیت، دچار مشکل شده اند.

این مفهوم شامل ابعاد مختلفی از جمله بازسازی فیزیکی (مانند نوسازی ساختمان ها و زیرساخت ها)، احیای اقتصادی (مانند ایجاد فرصت های شغلی)، بهبود اجتماعی (مانند افزایش همبستگی اجتماعی) و تقویت فرهنگی (مانند حفظ هویت تاریخی) است. هدف اصلی بازآفرینی، ارتقاء کیفیت زندگی ساکنان، افزایش پایداری محیط های شهری و ایجاد فضاهایی کارآمد و جذاب برای زندگی است. (Roberts, P., & Sykes, H. 2000)

در تعریفی دیگر بازآفرینی فرآیندی است که به خلق فضاهای شهری جدید با حفظ ویژگی های اصلی فضایی (کالبد و فعالیت) منجر می شود. در واقع بازآفرینی عبارت است از: دید جامع و یکپارچه و مجموعه اقداماتی که به حل مسائل شهری منجر می شود (شرکت بازآفرینی شهری ایران با مشارکت دفتر مقررات ملی و کنترل ساختمان، ۱۳۹۸؛ ۳۴).

• اهداف بازآفرینی شهری:

الف) بهبود کیفیت زندگی: ارتقاء شرایط زندگی ساکنان از طریق بهبود امکانات، خدمات و زیرساخت های شهری.

نظرات مردم جهت تامین نیازها و اولویت های مردم گرفته می شود. لیکن میزان جمع آوری اطلاعات و کنترل تحلیل ها به وسیله نهاد خارجی از طریق تشخیص مساله و راه حل های مورد نظر معین می شود. هیچ قدرت تصمیم گیری به مردم داده نشده، به علاوه مجریان پروژه هیچ تعهدی نسبت به تحقق اولویت های مردم به عهده نمی گیرند.

○ مشارکت انفعالی:

به مردم گفته می شود که چه چیزی انجام خواهد شد. بدون اینکه نظرات آنان خواسته شده یا قدرتی در تغییر امور داشته باشند یا بتوانند تغییر در اوضاع ایجاد نمایند.

○ صوری و ظاهر فریبانه:

تظاهر به مشارکت است که انجام می پذیرد. به عنوان مثال نمایندگانی در هیات های رسمی گماشته شده باشند، بدون اینکه این افراد انتخاب شده یا قدرتی داشته باشند.

• اصول مشارکت شهری:

مطالعات انجام شده نشان می دهد اصول مشارکت شهری را می توان در ۹ حوزه شفافیت، همه شمولی، دسترسی، پاسخگویی، تعامل و گفتگو، توانمندسازی، پایداری، عدالت و همکاری طبقه بندی کرد.

هریک از حوزه های یاد شده مقاصد متفاوتی را در نظر دارند: ○ شفافیت به معنای ارائه اطلاعات کامل و دقیق به شهروندان درباره پروژه ها و تصمیمات شهری بوده به گونه ای که آن ها از روند تصمیم گیری آگاه شوند و بتوانند به طور مؤثر مشارکت کنند.

○ شمولیت به مشارکت دادن همه گروه های جامعه، از جمله اقلیت ها و گروه های آسیب پذیر، در تصمیم گیری ها اشاره دارد. دسترسی به فراهم کردن امکانات و فرصت ها برای مشارکت شهروندان، از جمله دسترسی به اطلاعات، جلسات و ابزارهای مشارکتی توجه دارد.

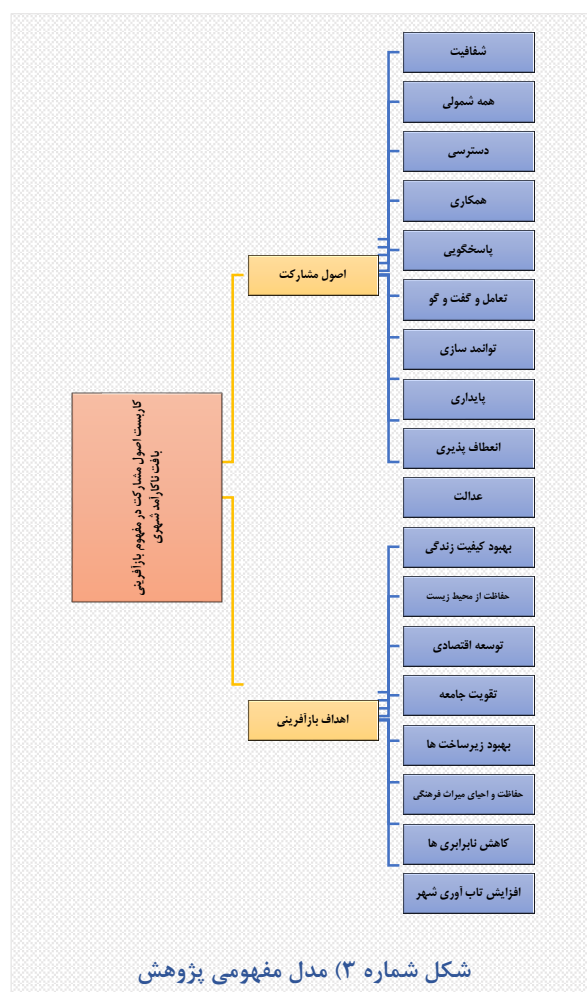
○ پاسخگویی نیز یکی از اهداف مشارکت شهری بوده که به معنای مسئولیت پذیری مقامات شهری در قبال تصمیمات و اقدامات خود است، به طوری که تصمیمات بر اساس نظرات شهروندان اتخاذ شود.

○ تعامل و گفتگو با ایجاد فضایی برای بحث و تبادل نظر بین شهروندان و مسئولان، به تقویت همکاری کمک می کند.

○ توانمندسازی یکی از اهداف مشارکت شهری بوده که تقویت

امروزه در بسیاری از پروژه های عمومی یا پروژه هایی که نیروی محرک آن ها اجتماع محلی است، این امکان برای شهروندان و دیگر بهره برداران و ذی نفعان وجود دارد تا مستقیماً در فرایند طراحی مشارکت نمایند. در چنین مواردی، در همان فاز نخست یک پروژه، از شهروندان و سایر ذی نفعان برای بیان اولویت هایشان دعوت به عمل می آید. سپس، آن ها به آلترناتیوهای پیشنهادی طراحی رأی می دهند. تکنیک های مختلفی برای جلب آرا و نظرات شهروندان و درگیر نمودن آن ها در فرایند طراحی وجود دارد که مهم ترین آن ها در مباحث پیشین ذکر شد.

بازآفرینی نیز به عنوان راهکاری برای احیای بافت های ناکارآمد مطرح است و هر دو مفهوم در چارچوب نظریه های شهری مانند نوسازی، توسعه پایدار و فرسودگی قابل بررسی هستند و به منظور تعیین ارتباط میان اصول بازآفرینی و مشارکت می توان به معیارهای مندرج در **شکل شماره ۳** اشاره کرد.



شکل شماره ۳) مدل مفهومی پژوهش

ب) حفاظت از محیط زیست: کاهش آلودگی، حفظ منابع طبیعی و افزایش پایداری محیطی در مناطق شهر.
پ) توسعه اقتصادی: ایجاد فرصت های شغلی، جذب سرمایه گذاری و تقویت اقتصاد محلی.
ت) تقویت جامعه: افزایش همبستگی اجتماعی، مشارکت شهروندان و تقویت هویت محلی.
ث) بهبود زیرساخت ها: ارتقاء شبکه های حمل و نقل، انرژی، آب و فاضلاب برای پشتیبانی از توسعه پایدار.
ج) حفظ و احیای میراث فرهنگی: حفاظت از بناها و فضاهای تاریخی و فرهنگی برای حفظ هویت شهری.
چ) کاهش نابرابری ها: کاهش شکاف های اجتماعی و اقتصادی و ارتقاء عدالت در دسترسی به منابع و فرصت ها.
ه) افزایش تاب آوری شهری: تقویت توانایی شهرها در مقابله با چالش ها و بحران های طبیعی و انسانی. (Roberts, P., & Sykes, H. 2000)

• بافت ناکارآمد:

بافت ناکارآمد به بخش هایی از شهر اطلاق می شود که به دلیل فرسودگی فیزیکی، عدم تطابق با نیازهای امروزی، مشکلات اقتصادی یا ناکارآمدی زیرساخت ها، توانایی خود را برای پاسخگویی به نیازهای ساکنان از دست داده اند. این بافت ها اغلب شامل ساختمان های قدیمی، خیابان های غیراستاندارد، کمبود خدمات عمومی و فضاهای شهری ناکارآمد هستند. بافت ناکارآمد معمولاً به مداخله هایی مانند بازآفرینی نیاز دارد تا دوباره کارایی خود را بازیابد.
بافت ناکارآمد در چارچوب نظریه های زیر مورد تحلیل قرار می گیرد:

الف) نظریه فرسودگی شهری: این نظریه به علل و پیامدهای فرسودگی مناطق شهری می پردازد. عواملی مانند مهاجرت جمعیت، کاهش سرمایه گذاری و بی توجهی به نگهداری زیرساخت ها از جمله دلایل اصلی ایجاد بافت های ناکارآمد هستند.

ب) نظریه بازآفرینی شهری: این نظریه راهکارهایی برای احیا و بهبود بافت های ناکارآمد ارائه می دهد. بازآفرینی به عنوان یک استراتژی کلیدی برای مقابله با ناکارآمدی این بافت ها مطرح است و بر بازسازی و نوسازی آن ها تمرکز دارد (Couch, C., & Dennemann, A. 2000).

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش کمی انجام شده است. برای پاسخگویی به دغدغه پژوهش، از روش (پیمایشی) به منظور دریافت دیدگاه های مردم و کارشناسان و تطبیق با اصول و فرآیند شهرسازی استفاده شده است. (حافظ نیا، ۱۴۰۱).

این پژوهش با بهره گیری از تکنیک های مختلف عملی شهرسازی مشارکتی نظیر برگزاری کارگاه های طراحی و آگاهی بخشی و اظهار نظر عمومی در مرحله جمع آوری اطلاعات صورت گرفته است.

علاوه بر این به منظور تدقیق و شفاف سازی موضوع مورد مطالعه در قالب نمونه پژوهی، مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله اگرچه جمعیت آماری می تواند بیشتر در نظر گرفته شود، ولی با در نظر گرفتن محدودیت ها و ویژگی های محله سیدی و طبق فرمول آماری کوکران، تعداد جمعیت آماری ۳۰۰ نفر تعیین شد که پاسخگویی به صورت تصادفی از رهگذران، شاغلین و حاضرین و همچنین متخصصین در امر شهرسازی در محله و سایر انتخاب شد.

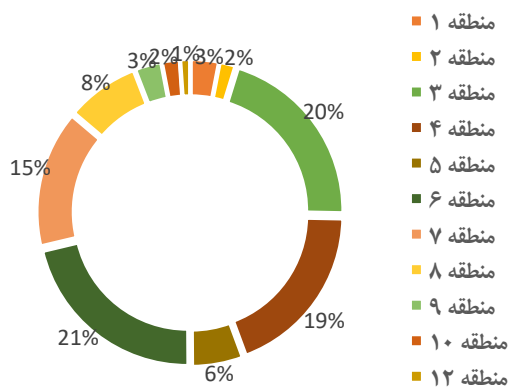
در نهایت اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه به کمک تکنیک همبستگی مورد تحلیل قرار گرفته تا به فرض اصلی مقاله پاسخ مناسب دهد. ساکنین محله سیدی شهر مشهد ۱۴۴۲۴ نفر هستند؛ این محله که در حوزه جنوب شرق مشهد واقع شده است، حدوداً ۲۱۴ هکتار وسعت دارد.

برای به دست آوردن حجم نمونه آماری با توجه به فرمول های مختلف دستیابی به حجم نمونه، در این تحقیق از فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه استفاده شده که طبق فرمول با درصد خطای ۰،۰۵۶ (d=0,056) حجم نمونه آماری برابر ۳۰۰ بدست آمد.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left[\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right]}$$

بر اساس شاخص های شناسایی بافت فرسوده و اطلاعات سرشماری سال ۹۵ در حدود ۱۹۶۸ هکتار از محدوده قانونی

شهر در قالب بافت فرسوده و ناکارآمد شناسایی شدند. که ۲۹۳ هکتار (۱۵ درصد) در منطقه ۷ شهرداری مشهد واقع شده است (شرکت بازآفرینی پایدار شهر مشهد). (شکل شماره ۴)



شکل شماره ۴

مساحت محلات هدف بازآفرینی کلانشهر مشهد

محله سیدی با مساحتی در حدود ۲۱۴ هکتار در منطقه ۷ و در حوزه جنوب شرقی واقع شده است. (نقشه شماره ۱) حدود ۹۰ درصد جمعیت این محله کمتر از ۵۵ سال هستند که نشان دهنده جوان بودن محله است (اطلس محلات، ۱۴۰۰). در نقشه شماره ۲ محدوده سکونتگاه های غیر رسمی شهر مشهد نشان داده شده است که محله سیدی در این محدوده واقع است.

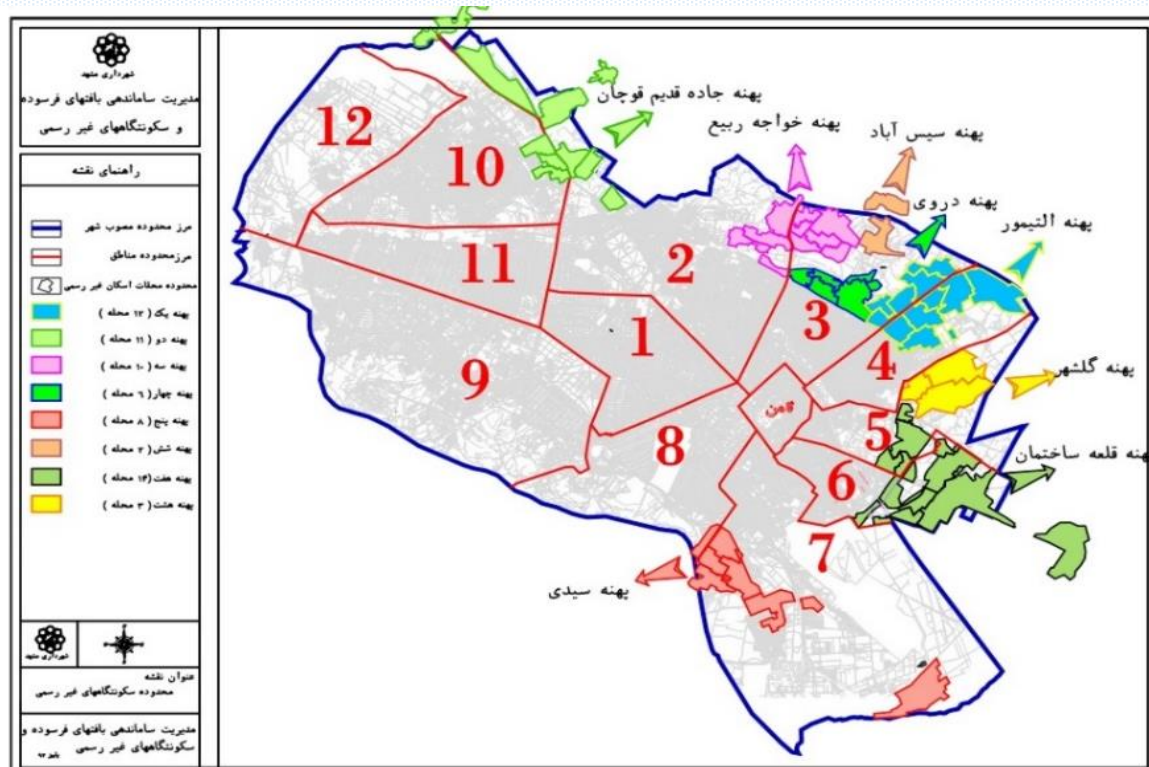
تحلیل یافته ها و بحث

در مراجعه حضوری به محدوده و برگزاری جلسات با ساکنان، پیرامون دیدگاه های آنان حول محور مشارکت می توان اینطوری برداشت نمود که میزان تمایل به مشارکت در تمامی اقشار محله سیدی وجود دارد و احتیاج به تعامل و گفت و گو، توانمند سازی و پاسخگویی مقامان شهری در قبال تصمیمات و اقدامات خود هستند به طوری که تصمیمات بر اساس نظرات مردم اتخاذ شود.

تعداد پاسخ دهندگان به پرسشنامه ۳۰۰ نفر بودند که از این ۳۰۰ نفر، ۵۴ درصد مرد و ۴۶ درصد زن بودند. از نظر توزیع سنی پاسخ دهندگان، ۲۸ درصد زیر ۲۵ سال، ۴۰ درصد ۲۵ تا ۳۵ سال، ۸ درصد بین ۳۵ و ۴۵ سال و ۲۴ درصد بین ۴۵ تا ۵۵ سال سن داشتند. تعداد افراد بالای ۵۵ سال صفر بود.



نقشه شماره (۱) کاربری اراضی مجله سیدی.



نقشه شماره (۲) محدوده سکونتگاه‌های غیر رسمی.

مأخذ: (مدیریت ساماندهی بافت فرسوده و سکونتگاه‌های غیر رسمی شهرداری مشهد ۱۳۹۵)

جدول شماره ۱) نتایج آزمون نرمال بودن متغیرهای بهبود کیفیت زندگی، تقویت جامعه و کاهش نابرابری ها

		بهبود کیفیت زندگی	تقویت جامعه	کاهش نابرابری ها
N		300	300	300
Normal Parameters ^a	Mean	3.0607	4.049	2.42
	Std. Deviation	0.46577	0.56223	0.971
Most Extreme Differences	Absolute	0.116	0.146	0.205
	Positive	0.116	0.116	0.187
	Negative	-0.085	-0.146	-0.205
Kolmogorov-Smirnov Z		0.817	1.034	1.449
Asymp. Sig. (2-tailed)		0.516	0.236	0.06

a. Test distribution is Normal.

توزیع متغیرها نرمال بوده و در نتیجه برای تعیین همبستگی می توان از آزمون پیرسون استفاده کرد.
حال به آزمون فرضیات می پردازیم:

○ فرض: بین همه شمولی و کاهش نابرابری ها رابطه وجود دارد. **جدول شماره ۲**
چون $\text{sig} = 0.693$ از 0.05 بیشتر است پس با احتمال 95 درصد بین این دو متغیر رابطه ی معناداری وجود ندارد.

جدول شماره ۲) نتایج آزمون پیرسون: بررسی معناداری رابطه بین همه شمولی و کاهش نابرابری ها

		همه شمولی	کاهش نابرابری ها
همه شمولی	Pearson Correlation	1	-.057
	Sig. (2-tailed)		.693
	N	300	300
کاهش نابرابری ها	Pearson Correlation	-.057	1
	Sig. (2-tailed)	.693	
	N	300	300

تعداد افرادی که دارای تحصیلات زیر دیپلم یا دیپلم بودند، 20 درصد، فوق دیپلم 32 درصد، لیسانس 34 درصد و فوق لیسانس و بالاتر 14 درصد بودند.

برای بررسی صحت فرض های تعریف شده در پژوهش، از آزمون همبستگی استفاده می شود منتهی قبل از آن می بایست وضعیت نرمال بودن متغیرها آزمون شود. برای این هدف از آزمون کلموگروف- اسمیرنوف (K-S) استفاده شده است. به این منظور فرض زیر مورد بررسی قرار می گیرد:

H_0 : توزیع متغیرها نرمال است.

H_1 : توزیع متغیرها نرمال نیست.

همانطور که در **جدول شماره ۱** دیده می شود، برای متغیر بهبود کیفیت زندگی، آماره Z (Sig) برابر 0.516 است که در ناحیه تایید فرض صفر قرار داشته ($p > 0.05$) و فرض H_1 را رد می کند. برای متغیر تقویت جامعه نیز به همین منوال $\text{Sig} = 0.236$ بوده که بیشتر از 0.05 می باشد و منجر به رد فرض H_1 می شود. مشابه دو متغیر مذکور، متغیر کاهش نابرابری ها نیز دارای Sig بیشتر از 0.05 بوده و برای این متغیر نیز فرض H_1 رد می شود. پس در کل می توان نتیجه گرفت

گفت که بین میزان درک شهروندان از خدمات شهری و مشارکت آنان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

طبق یافته‌های بدست آمده از پرسشنامه و تحلیل آنها رابطه بین همه‌شمولی و بهبود کیفیت زندگی معنادار است. به بیان دیگر با درگیر شدن اقشار مختلف سنی، اجتماعی و جنسیتی نقصان‌ها و کمبودهای محلات تعیین شده و در فرآیند بازآفرینی رفع می‌گردد. در واقع از این طریق محیط‌های شهری، فضاهایی متناسب با نیازهای کلیه‌ی اقشار بوده و از این رو سطح کیفیت زندگی ارتقا پیدا خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

آنچه در این پژوهش مطرح شد، تلاشی در راستای پیوند نظرات و خواسته‌های مردم به عنوان اصلی‌ترین کنشگران بازآفرینی شهری است. به این منظور سه فرض مطرح شد که اولین فرض رابطه‌ی میان همه‌شمولی و بهبود کیفیت زندگی اثبات شده و معنادار بود که این موضوع بیانگر آن است که حضور حداکثری مردم و مشارکت آنان نقش اساسی در موفقیت بازآفرینی و دستیابی به اهداف مدنظر ایفا می‌نماید. از طرفی علیرغم وجود رابطه‌ی منطقی میان همه‌شمولی و کاهش نابرابری به دلیل دیدگاه‌های مدیریت شهری و قوانین حاکم بر بازآفرینی رابطه‌ی اثبات نشد. در فرض سوم نیز همه‌شمولی و تقویت جامعه به دلیل تعارضات اجتماعی در جامعه و اختلافات فرهنگی رابطه‌ی بین این دو موضوع به لحاظ آماری معنا دار نبود.

فهرست منابع:

- اطلس محلات مشهد، (۱۴۰۰).
- اجلایی، پ.، رفیعیان، م.، عسگری، ع.، (۱۳۹۱)، نظریه برنامه ریزی: دیدگاه‌های سنتی و جدید. نشر آگه.
- اسلامی، س. و کامل‌نیا، ح.، (۱۳۹۲). معماری جمعی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- بنرجی، تریدیب، و سیدریس، آناستازیا، (۱۳۹۴)، طراحی شهری، مفاهیم و جریان‌های معاصر، ترجمه رضا بصیری مؤدھی و همکاران.
- حافظ‌نیا، محمد رضا، (۱۴۰۱)، تبیین رابطه‌ی بی‌عدالتی فضایی و چشم اندازهای امنیت ملی، فصلنامه مجلس و راهبرد.
- رحمانی، امیر، (۱۳۹۲)، نقش مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده همدان، نمونه موردی بافت جولان.

○ فرض: بین همه‌شمولی و تقویت جامعه رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

همان‌طور که در **جدول شماره ۳** مشخص است میزان Sig برابر ۰,۷۷۳ است، که بیشتر از ۰,۰۵ می‌باشد. بنابراین با احتمال ۹۵ درصد بین دو متغیر رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

جدول شماره ۳) نتایج آزمون پیرسون: بررسی معناداری رابطه بین همه‌شمولی و تقویت جامعه

		همه شمولی	تقویت جامعه
همه شمولی	Pearson Correlation	1	.042
	Sig. (2-tailed)		.773
	N	300	300
تقویت جامعه	Pearson Correlation	.042	1
	Sig. (2-tailed)	.773	
	N	300	300

○ فرض: بین همه‌شمولی و بهبود کیفیت زندگی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

همان‌طور که در **جدول شماره ۴** دیده می‌شود، مقدار Sig برابر ۰,۰۳۱ است، که کمتر از ۰,۰۵ می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که با سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان

جدول شماره ۴) نتایج آزمون پیرسون: بررسی معناداری رابطه بین همه‌شمولی و بهبود کیفیت زندگی

		همه شمولی	بهبود کیفیت زندگی
همه شمولی	Pearson Correlation	1	.135
	Sig. (2-tailed)		.031
	N	300	300
بهبود کیفیت زندگی	Pearson Correlation	.135	1
	Sig. (2-tailed)	.031	
	N	300	300

- Couch, C., & Dennemann, A. (۲۰۰۰). **Urban regeneration and sustainable development in Britain. Cities**, ۱۳۷-۱۴۷.
- Fung, A. (۲۰۰۶). **Varieties of participation in complex governance**. Public Administration Review, ۶۶-۷۵.
- Healey, P. (۱۹۹۷). **Collaborative planning: Shaping places in fragmented societies**. Macmillan.
- McKee, K., & Nobre, G. (۲۰۰۹). **An international perspective on urban regeneration**. Cities.
- Oksman, V., Vaatanen, A., & Ylikaupila, M. (۲۰۱۴). **User involvement in urban regeneration: A case study**. Journal of Urban Design, ۶۵۶-۶۷۴.
- Roberts, P., & Sykes, H. (۲۰۰۰). **Urban regeneration: A handbook**. Sage Publications.
- Sanoff, H. (۲۰۰۰). **Community participation methods in design and planning**. Wiley.
- UNDP. (۱۹۹۹). **Human development report ۱۹۹۹**. United Nations

- رزمجویی، ا. (۱۳۸۲). مدیریت بحرانهای شهری. تهران: انتشارات امیرکبیر
- زیاری، ک. (۱۳۹۲). برنامه ریزی منطقه ای. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زیاری، ک.، نیکی، ح.، و حسینی، س. (۱۳۹۲). مبانی جغرافیای شهری. تهران: انتشارات سمت.
- شرکت انگلیسی بنگاه مسکن. (۱۳۹۶). گزارش سالانه توسعه مسکن (ص. ۱۴۵). اصفهان: نشر شهرسازان.
- طوسی، م. (۱۳۸۰). روانشناسی محیطی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- مرادی، م. (۱۳۷۶). تاریخ شهرنشینی در ایران. شیراز: نشر نوید
- Arnstein, S. R. (۱۹۶۹). **A ladder of citizen participation**. Journal of the American Planning Association, ۲۱۶-۲۲۴.
- Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (۲۰۰۳). **Public places - urban spaces: The dimensions of urban design**. Architectural Press.

